

راهبردهای فعال سازی ارزش مشترک بریکس؛ فرصت‌ها و تهدیدهای پیش رو برای ایران

محمد کاوه باغبادرانی^۱

چکیده

گروه بریکس شامل کشورهای درحال توسعه‌ای است که نقش فزاینده‌ای در اقتصاد جهانی دارند. یکی از موضوعات کلیدی این گروه، ایجاد ارزش مشترک برای کاهش وابستگی به دلار و تقویت روابط تجاری اعضا است. ارزش مشترک می‌تواند هزینه‌های تبادلات ارزی را کاهش داده و منابع مالی جدیدی برای طرح‌های توسعه‌ای فراهم کند. با این حال، اختلافات سیاسی، تفاوت‌های اقتصادی میان اعضا، سلطه دلار و نبود سازوکار مالی منسجم از چالش‌های مهم این طرح هستند. تجربه یورو نشان می‌دهد که موفقیت در ایجاد ارزش مشترک، نیازمند سیاست‌های مالی مشترک، بانک مرکزی واحد و هماهنگی نهادی است. برای ایران، تقویت دیپلماسی اقتصادی، اصلاح ساختار نمایندگی در بریکس، و سرمایه‌گذاری در زیرساخت‌های مالی، راهکارهایی برای ایفای نقشی مؤثرتر در این فرایند هستند. علی‌رغم چالش‌ها، بهره‌گیری از فرصت‌های اقتصادی بریکس می‌تواند نقش ایران را در تصمیم‌گیری‌های این گروه ارتقا بخشد.

واژگان کلیدی: بریکس، ایران، ارزش مشترک، بانک توسعه نوین، دیپلماسی اقتصادی.

مقدمه

همکاری‌های اقتصادی و تجاری ایجاد کرده‌اند

(World Bank, 2023a).

با توجه به اهمیت روزافزون بریکس، این گزارش به تحلیل ظرفیت‌های این گروه و چگونگی استفاده بهینه از آنها در راستای اهداف اقتصادی ایران پرداخته است. این تحلیل شامل بررسی جنبه‌های مختلف همکاری با بریکس از جمله ایجاد ارزش مشترک، توسعه زیرساخت‌های مالی و تقویت دیپلماسی اقتصادی است. در ادامه، چالش‌ها و پیش‌نیازهای تشکیل ارزش مشترک در بریکس و مقایسه آن با تجربه یورو نیز بررسی می‌شود. همچنین، پیشنهادها عملی برای بهبود موقعیت ایران در این

در دنیای امروز، تحولات اقتصادی و سیاسی جهانی به سرعت در حال تغییر هستند و هم‌گرایی کشورهای بزرگ اقتصادی مانند گروه بریکس، فرصت‌طلبی برای کشورهای عضو به‌ویژه ایران فراهم کرده است. بریکس که شامل برزیل، روسیه، هند، چین و آفریقای جنوبی است، به‌عنوان بلوک اقتصادی با ظرفیت‌های فراوان، نقش کلیدی در تقویت موقعیت اقتصادی اعضای خود در سطح جهانی ایفا می‌کند. این گروه از کشورهای درحال توسعه، با داشتن بیش از ۴۰ درصد از جمعیت جهان و سهم زیادی از تولید ناخالص داخلی جهانی، فرصت‌های فراوانی برای

ساختارهایی مانند بانک جهانی که در آن توزیع قدرت نامتعادل است (NDB, 2023). عضویت کشورهایمانند مصر که عضو دائمی بریکس نیستند، اما به بانک توسعه نوین پیوسته‌اند، نشان‌دهنده انعطاف‌پذیری این نهاد در پذیرش اعضای جدید است.

در مقابل، عدم عضویت ایران در بانک توسعه نوین با وجود عضویت در بریکس، چالشی راهبردی برای ایران شمرده می‌شود. عدم حضور در این نهاد به معنای از دست دادن فرصت‌های مالی و سرمایه‌گذاری کلان در طرح‌های زیرساختی و کاهش نفوذ در فرایند تصمیم‌گیری‌های اقتصادی است. این مسئله ممکن است به دلایلی مانند تحریم‌های اقتصادی، ناتوانی در فراهم کردن الزامات عضویت یا اولویت‌های متفاوت ایران در سیاست خارجی و اقتصادی مرتبط باشد (IMF, 2023). بررسی جایگاه ایران در این چهارچوب، نمایان‌کننده لزوم تدوین سیاستی منسجم برای استفاده بهتر از ظرفیت‌های بریکس و بانک توسعه نوین است.

برای استفاده بهینه از ظرفیت‌های بریکس، ضروری است که ساختار نهادی آن به‌طور دقیق در چارچوب حکمرانی کشور مشخص شود. وزارت امور اقتصادی و دارایی باید مسئول سیاست‌گذاری‌های اقتصادی در تعامل با بریکس باشد و برنامه‌های زمان‌بندی‌شده‌ای را برای این تعاملات ترتیب دهد.

گروه و استفاده مؤثر از ظرفیت‌های بریکس ارائه می‌شود.

این گزارش با هدف ارتقای همکاری‌های ایران با کشورهای عضو بریکس و استفاده از ظرفیت‌های اقتصادی این گروه برای پیشبرد اهداف اقتصادی و توسعه پایدار کشور تنظیم شده است.

۱- ظرفیت‌های بریکس و بانک توسعه نوین

بریکس متشکل از پنج اقتصاد بزرگ در حال ظهور یعنی برزیل، روسیه، هند، چین و آفریقای جنوبی، نماینده بخش شایان توجهی از جمعیت و تولید ناخالص داخلی جهانی است. این گروه با تأسیس در سال ۲۰۰۶ و افزودن آفریقای جنوبی در سال ۲۰۱۰، در راستای تقویت همکاری اقتصادی، سیاسی و توسعه‌ای می‌کوشد. کشورهای بریکس حدود ۴۰ درصد از جمعیت جهان را شامل می‌شوند و سهم آن‌ها از تولید ناخالص داخلی جهانی در سال ۲۰۲۳، بیش از ۲۵ درصد برآورد شده است (World Bank, 2023a). این ارقام اهمیت اقتصادی این مجموعه را نشان می‌دهد که به دنبال ارائه نظم جدید اقتصادی جهانی مستقل از هژمونی غرب و سیستم مالی تحت سلطه دلار آمریکاست.

یکی از مهم‌ترین نهادهای مرتبط با بریکس، بانک توسعه نوین است که در سال ۲۰۱۴ تأسیس شد. این بانک با سرمایه اولیه ۱۰۰ میلیارد دلار، هدف اصلی خود را تأمین مالی طرح‌های زیرساختی و توسعه پایدار در کشورهای عضو و فراتر از آن قرار داده است. ساختار این بانک به‌گونه‌ای طراحی شده است که همه اعضا از حق رأی برابر برخوردار باشند؛ برخلاف

۲- ارزش مشترک بریکس؛ فرصت‌ها، چالش‌ها و پیش‌نیازها

ایده ایجاد یک ارزش مشترک برای کشورهای بریکس بر محور کاهش وابستگی به دلار آمریکا و تقویت استقلال اقتصادی اعضا استوار است. این ارزش می‌تواند به‌عنوان ابزاری برای مقابله با سلطه مالی غرب و ایجاد نظام چندقطبی در اقتصاد جهانی عمل کند. در این بخش، با بررسی فرصت‌ها، چالش‌ها و پیش‌نیازها، ابعاد این طرح به تفصیل تحلیل می‌شود. یکی از مزایای اصلی ایجاد ارزش مشترک بریکس، کاهش وابستگی به دلار است که سهم آن در ذخایر ارزی جهانی همچنان بیش از ۵۸ درصد است (IMF, 2023). این وابستگی، کشورهای عضو را در برابر تحریم‌های اقتصادی و نوسانات دلار آسیب‌پذیر می‌کند. ارزش مشترک به تقویت روابط تجاری میان اعضا کمک می‌کند برای مثال، تجارت میان چین و برزیل در سال ۲۰۲۲، به بیش از ۱۵۰ میلیارد دلار رسید که بیشتر این تراکنش‌ها با دلار انجام شده است (World Bank, 2023b). از سوی دیگر، ارزش مشترک به افزایش قدرت چانه‌زنی اعضای بریکس در نهادهای مالی بین‌المللی مانند صندوق بین‌المللی پول و بانک جهانی کمک و نفوذ اقتصادی این گروه را تقویت می‌کند.

۱-۲- چالش‌های ارزش مشترک بریکس؛ بررسی موانع ساختاری و سیاسی

ایجاد ارزش مشترک برای کشورهای بریکس مستلزم عبور از چالش‌های متعدد در ابعاد سیاسی، اقتصادی و ساختاری است. این موانع نه تنها ناشی از اختلافات میان اعضای این گروه هستند، بلکه به نفوذ گسترده

دلار و ساختارهای موجود در اقتصاد جهانی نیز بازمی‌گردند.

- نبود هم‌گرایی سیاسی و اقتصادی میان اعضا: نبود هم‌گرایی سیاسی و اقتصادی میان اعضای بریکس یکی از چالش‌های اصلی این گروه است. کشورهای عضو، از جمله چین و هند، اغلب درگیر رقابت‌های راهبردی هستند که بر توانایی آن‌ها برای اتخاذ سیاست‌های هماهنگ تأثیر می‌گذارد. چین، با توجه به نقش خود به‌عنوان دومین اقتصاد بزرگ جهان و سیاست‌های تهاجمی اقتصادی و سرمایه‌گذاری در زیرساخت‌های بین‌المللی، به دنبال گسترش نفوذ خود است. در مقابل، هند، با سابقه درگیری‌های مرزی از جمله بحران سال ۲۰۲۰ در لداخ و تمایل به همکاری با غرب در سیاست‌های منطقه‌ای، رویکردی محتاطانه‌تر نسبت به هم‌گرایی عمیق با چین اتخاذ کرده است. این اختلافات، توانایی کشورهای بریکس برای ایجاد سیستم‌های مالی هماهنگ را محدود می‌کند (Acharya, 2023; Panda, 2022).

عدم عضویت ایران در بانک توسعه نوین با وجود عضویت در بریکس، چالشی راهبردی برای ایران شمرده می‌شود. عدم حضور در این نهاد به معنای از دست دادن فرصت‌های مالی و سرمایه‌گذاری کلان در طرح‌های زیرساختی و کاهش نفوذ در فرایند تصمیم‌گیری‌های اقتصادی است.

اقتصادی چین، محدود است (Ramaswamy, 2022). این عدم اعتماد در تصمیم‌گیری‌های کلیدی مانند تعیین نرخ مبادله ارز یا سیاست‌های مالی مشترک اختلال ایجاد می‌کند.

- وابستگی به صادرات مواد خام: بیشتر اعضای بریکس به صادرات مواد خام وابسته‌اند که باعث نوسانات اقتصادی و آسیب‌پذیری در برابر شوک‌های خارجی می‌شود. برای مثال، اقتصاد روسیه به شدت وابسته به صادرات نفت و گاز است در حالی که چین به عنوان واردکننده بزرگ انرژی عمل می‌کند. این عدم توازن اقتصادی باعث می‌شود که مدیریت ارز واحد در شرایط نوسانات قیمت کالاها دشوار شود (IMF, 2023).

- نبود زیرساخت‌های قانونی و نهادی مشترک: برای راه‌اندازی ارز مشترک، وجود قوانین و چهارچوب‌های مشترک الزامی است. اتحادیه اروپا پیش از معرفی یورو، معاهدات متعددی از جمله معاهده ماستریخت (۱۹۹۲) را اجرا کرد که معیارهای مشخصی برای اعضای منطقه یورو تعیین کرد. بریکس تاکنون هیچ توافق مشابهی برای تعیین معیارهای عضویت یا مدیریت ارز واحد انجام نداده است (European Commission, 2023). نبود این زیرساخت‌ها فرایند ایجاد ارز مشترک را به تأخیر می‌اندازد یا غیرممکن می‌کند.

- فشارهای بین‌المللی و منطقه‌ای: کشورهای بریکس به دلیل تلاش برای کاهش سلطه دلار ممکن است با فشارهای سیاسی و اقتصادی از سوی ایالات متحده و متحدانش روبه‌رو شوند. تحریم‌های اقتصادی علیه

- سلطه دلار بر بازارهای بین‌المللی: دلار آمریکا همچنان به عنوان ارز ذخیره اصلی بر جهان تسلط دارد. طبق گزارش بانک تسویه‌حساب‌های بین‌المللی^۱، در سال ۲۰۲۲، بیش از ۸۸ درصد از تراکنش‌های ارزی جهانی شامل دلار بوده است (BIS, 2023). این وابستگی گسترده به دلار، ایجاد ارز جایگزین را با چالش جدی روبه‌رو می‌کند؛ زیرا بخش بزرگی از نظام مالی بین‌المللی مبتنی بر ساختارهای دلاری است. از جمله این ساختارها می‌توان به بازارهای بدهی دلاری و نظام پرداخت سوئیفت اشاره کرد.

- نبود سیستم مالی و بانکی منسجم میان اعضا: اقتصادهای بریکس از نظر سطح توسعه، سیاست‌های پولی و ساختارهای مالی، تفاوت‌های عمده‌ای دارند. چین با ذخایر ارزی عظیم و سیاست‌های کنترلی قدرتمند بر ارز خود، در تضاد با آفریقای جنوبی قرار دارد که اقتصادی کوچک‌تر و وابسته به منابع طبیعی دارد (World Bank, 2023a). نبود بانک مرکزی مشترک یا نهادی مشابه برای تنظیم سیاست‌های مالی و پولی باعث می‌شود که مدیریت ارز واحد به فرایندی پیچیده تبدیل شود. برای مثال، در اتحادیه اروپا، بانک مرکزی اروپا^۲ نقش حیاتی در مدیریت یورو ایفا می‌کند، اما هیچ نهادی مشابه در بریکس وجود ندارد (European Commission, 2023).

- عدم اعتماد میان اعضا: اعتماد سیاسی و اقتصادی برای موفقیت ارز مشترک ضروری است، اما در بریکس، این اعتماد به دلیل روابط متشنج میان اعضا مانند رقابت چین و هند یا نگرانی روسیه از نفوذ

1. BIS
2. ECB

ناخالص داخلی) را رعایت کنند (European Commission, 2023). نبود چنین معیارهایی در بریکس به دلیل تفاوت‌های اقتصادی عمیق میان اعضا می‌تواند مانعی جدی برای موفقیت ارز مشترک باشد. برای تحقق این پیش‌نیاز، کشورهای بریکس باید روی سازوکارهای توافقی برای مدیریت نرخ ارز توافق کنند. این موضوع می‌تواند شامل انتخاب نظام نرخ ارز ثابت، شناور یا ترکیبی باشد که نیازمند شفافیت در سیاست‌های اقتصادی و هماهنگی میان اعضاست. بدون چنین توافقی، نوسانات ارزی تأثیرات منفی شدیدی بر تجارت و سرمایه‌گذاری میان اعضا می‌گذارد.

۲-۲-۲- هماهنگی نهادی و تشکیل بانک مرکزی مشترک
ارز مشترک نمی‌تواند بدون وجود نهادی مرکزی که مسئولیت نظارت و اجرای سیاست‌های مرتبط با آن را بر عهده داشته باشد، عملیاتی شود. تشکیل بانک مرکزی بریکس یا نهادی مشابه برای مدیریت ارز مشترک و تنظیم سیاست‌های پولی ضروری است. این بانک باید مسئولیت‌هایی مانند کنترل تورم، مدیریت ذخایر ارزی و حمایت از ثبات اقتصادی اعضا را بر عهده بگیرد. اتحادیه اروپا در این راستا، بانک مرکزی اروپا را ایجاد کرد که نقش کلیدی در موفقیت اولیه یورو ایفا کرد (Draghi, 2020).

افزون‌براین، توافق بر سر چگونگی تأمین مالی این بانک مرکزی، ساختار رأی‌دهی و میزان استقلال آن از دولت‌های عضو، از جمله مسائل حساس خواهد بود. برای مثال، در اتحادیه اروپا، بانک مرکزی اروپا به‌طور کاملاً مستقل از

روسیه و سیاست‌های محدودکننده تجارت چین از جمله این فشارها هستند که می‌توانند اتحاد بریکس را تضعیف کنند (Acharya, 2023).

این چالش‌ها نشان می‌دهند که ایده ارز مشترک بریکس به‌رغم مزایای بالقوه آن، نیازمند عبور از موانع جدی است که همکاری عمیق‌تر و برنامه‌ریزی بلندمدت را می‌طلبد.

۲-۲- پیش‌نیازهای ارز مشترک بریکس؛ الزامات ساختاری، نهادی و عملیاتی

ایجاد ارز مشترک بریکس به مجموعه‌ای از پیش‌زمینه‌های کلیدی نیاز دارد که هرکدام برای غلبه بر چالش‌های سیاسی و اقتصادی بین اعضای گروه حیاتی هستند. این پیش‌نیازها شامل تعیین سازوکارهای سیاست‌گذاری، هماهنگی نهادی و شکل‌دهی به بسترهای عملیاتی لازم برای پیاده‌سازی چنین طرحی است.

۲-۲-۱- سازوکارهای چندجانبه برای نرخ ارز و سیاست‌های مالی مشترک

یکی از مهم‌ترین الزامات، تعیین چهارچوب‌هایی برای هماهنگی سیاست‌های مالی و پولی میان اعضای بریکس است. تجربه اتحادیه اروپا نشان می‌دهد که موفقیت در ایجاد ارز مشترک مستلزم معیارهای سخت‌گیرانه و قابل نظارت است. برای مثال، در معاهده ماستریخت (۱۹۹۲)، کشورهای عضو برای ورود به منطقه یورو موظف شدند معیارهایی مانند کنترل نرخ تورم (کمتر از ۲ درصد)، محدودیت بدهی ملی (کمتر از ۶۰ درصد تولید ناخالص داخلی) و کاهش کسری بودجه (کمتر از ۳ درصد تولید

۲-۲-۵- شفافیت و اعتماد میان اعضا

یکی از الزامات اساسی، افزایش شفافیت و ایجاد اعتماد میان اعضاست. اختلافات سیاسی و رقابت‌های اقتصادی میان کشورهای بریکس از جمله تنش‌های چین و هند مانع ایجاد ارزش مشترک موفق می‌شود. غلبه بر این مشکل، نیازمند گفت‌وگوهای مستمر و تعهد به همکاری در بلندمدت است (Acharya, 2023).

این پیش‌نیازها نشان می‌دهند که ایجاد ارزش مشترک در بریکس نه تنها مستلزم برنامه‌ریزی دقیق و هماهنگی گسترده است، بلکه نیاز به چهارچوب قانونی و نهادی دارد که بتواند منافع متفاوت اعضا را هم‌راستا کند.

۳- مطالعه تطبیقی ارزش بریکس با یورو

۳-۱- تجربه یورو؛ فرایند شکل‌گیری و عوامل موفقیت ایده ایجاد ارزش مشترک در اروپا به دهه ۱۹۷۰ بازمی‌گردد، اما با معاهده ماستریخت در سال ۱۹۹۲، به شکل رسمی و جدی مطرح شد. این معاهده به‌عنوان یکی از اسناد بنیادین اتحادیه اروپا، چهارچوبی برای معرفی یورو به‌عنوان ارزش مشترک کشورهای عضو تعیین کرد. یورو در سال ۱۹۹۹، به‌صورت مجازی و در سال ۲۰۰۲، به‌صورت فیزیکی عرضه شد. یکی از عوامل اصلی موفقیت یورو در سال‌های اولیه، معیارهای سخت‌گیرانه‌ای بود که برای عضویت در منطقه یورو تعیین شد. این معیارها شامل کنترل نرخ تورم (کمتر از ۲ درصد)، محدودیت کسری بودجه (کمتر از ۳ درصد تولید ناخالص داخلی) و مدیریت سطح بدهی ملی (کمتر از ۶۰ درصد تولید ناخالص داخلی) بود. این معیارها

دولت‌های عضو عمل می‌کند درحالی‌که در بریکس ممکن است فشارهای سیاسی و تضاد منافع مانع ایجاد چنین ساختاری شود.

۲-۲-۳- سیستم‌های ذخیره‌سازی و استفاده از ارزش مشترک

یکی دیگر از پیش‌نیازها، توافق بر سر چگونگی ذخیره‌سازی و استفاده از ارزش جدید است. ارزش مشترک باید بتواند به‌عنوان ذخیره ارزش و واحد مبادله‌ای عمل کند. این مسئله در شرایطی که اقتصادهای اعضای بریکس دارای تنوع زیادی از جمله تفاوت در تولید ناخالص داخلی، سطح توسعه‌یافتگی و تراز تجاری هستند، بسیار پیچیده می‌شود. برای مثال، چین به‌عنوان دومین اقتصاد بزرگ جهان با ذخایر ارزی عظیم و تولید صنعتی گسترده در تضاد با آفریقای جنوبی قرار دارد که به‌شدت وابسته به صادرات مواد خام است (World Bank, 2023a). چنین تفاوت‌هایی ممکن است منجر به اختلاف در استفاده و ذخیره‌سازی ارزش مشترک شود.

۲-۲-۴- زیرساخت‌های قانونی و توافقات چندجانبه

برای عملیاتی شدن ارزش مشترک، کشورهای بریکس باید زیرساخت‌های قانونی و چهارچوب‌های توافقی لازم را ایجاد کنند. این موضوع شامل امضای معاهدات الزام‌آور برای اطمینان از پایبندی به سیاست‌های مشترک، نظارت بر اجرای توافقات و مدیریت اختلافات احتمالی می‌شود. نبود چنین زیرساخت‌هایی در بریکس به‌ویژه در مقایسه با اتحادیه اروپا که از معاهدات متعددی مانند معاهده ماستریخت و پیمان ثبات و رشد بهره‌مند است، چالش اساسی است.

دوم، سلطه نظام مالی آمریکا و جایگاه دلار در بازارهای جهانی، همچنان مانعی بزرگ برای یورو بود و ساختارهای مالی جهانی از جمله بازارهای اوراق قرضه و ذخایر ارزی بانک‌های مرکزی، به شدت به دلار وابسته باقی ماندند. افزون‌براین، سیاست‌های محدودکننده داخلی اروپا مانند قوانین سخت‌گیرانه مالیاتی و بودجه‌ای، توانایی یورو را برای رقابت با دلار کاهش داد (Eichengreen, 2019).

سوم، بحران بدهی در منطقه یورو به‌ویژه در کشورهای یونان، پرتغال و اسپانیا باعث کاهش اعتماد به ثبات اقتصادی اروپا و کاهش تمایل کشورهای دیگر به استفاده از یورو شد. این بحران نشان داد که نبود هم‌گرایی اقتصادی کامل میان اعضای منطقه یورو خطرات جدی برای ثبات ارز مشترک ایجاد می‌کند.

۳-۳- مقایسه ارز بریکس و یورو؛ تفاوت‌ها و چالش‌ها
در مقایسه ارز بریکس و یورو، تفاوت‌های جغرافیایی، اقتصادی و سیاسی برجسته‌ای وجود دارد. اتحادیه اروپا متشکل از کشورهایی است که دارای هم‌گرایی اقتصادی و سیاسی نسبی هستند. این کشورها با سیستم‌های سیاسی دموکراتیک و بازارهای اقتصادی مشابه، توانستند زیرساخت‌های مشترکی مانند بانک مرکزی اروپا و قوانین واحد برای مدیریت یورو ایجاد کنند (European Commission, 2023).

در مقابل، بریکس شامل کشورهایی با نظام‌های سیاسی متنوع (دمکراسی، سوسیالیسم و حکومت‌های نیمه‌اقتدارگرا) و تفاوت‌های عمیق اقتصادی است. برای مثال، چین به‌عنوان دومین اقتصاد جهان با رشد اقتصادی پایدار و ذخایر ارزی گسترده، در تقابل با

به‌منظور تضمین ثبات اقتصادی و جلوگیری از بحران‌های مالی در میان اعضا طراحی شدند (European Commission, 2023).

همچنین، وجود نهادی قدرتمند مانند بانک مرکزی اروپا که به‌طور مستقل سیاست‌های پولی و ارزی را مدیریت می‌کرد، یکی دیگر از عوامل ثبات یورو بود. این بانک وظایفی مانند کنترل تورم و حفظ ارزش یورو در برابر سایر ارزهای جهانی را بر عهده داشت (Draghi, 2020).

کشورهای بریکس حدود ۴۰ درصد از جمعیت جهان را شامل می‌شوند و سهم آن‌ها از تولید ناخالص داخلی جهانی در سال ۲۰۲۳، بیش از ۲۵ درصد برآورد شده است.

۳-۲- چرا یورو جایگزین دلار نشد؟

یورو به‌رغم موفقیت در تبدیل شدن به دومین ارز ذخیره جهان، نتوانست جایگزین دلار شود. چندین دلیل برای این ناکامی وجود دارد. نخست، وابستگی اقتصاد اروپا به بازارهای منطقه‌ای باعث شد که یورو نتواند به‌عنوان ارزی جهانی و فراگیر پذیرفته شود. برخلاف دلار که به‌عنوان ارز اصلی تجارت نفت و کالاهای راهبردی در سراسر جهان استفاده می‌شود، یورو بیشتر در معاملات داخلی اروپا و کشورهای نزدیک به آن مورد استفاده قرار گرفت (IMF, 2023).

دیپلماسی فعال خود، روابط ایران با کشورهای عضو بریکس را تقویت کند (ظریف، ۱۳۹۹).

۴-۱- تحلیل عملکرد ایران

یکی از چالش‌های عمده در این مسیر، مسئله نمایندگی ایران در بریکس است. در حال حاضر، رئیس بانک مرکزی ایران نماینده کشور در این سازمان است. این در حالی است که وزارت امور اقتصادی و دارایی باید نماینده ایران در این نهاد باشد. دلیل این موضوع به ضعف در ساختار تصمیم‌گیری ایران در مجامع اقتصادی بین‌المللی برمی‌گردد. تغییر نماینده ایران به وزیر امور اقتصادی و دارایی به تقویت قدرت تصمیم‌گیری و بهره‌برداری از ظرفیت‌های اقتصادی بریکس کمک می‌کند. در این راستا، تقویت نقش وزارت امور اقتصادی و دارایی و وزارت امور خارجه در تعاملات اقتصادی با بریکس از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است (حیدری و خدادی، ۱۴۰۲).

۴-۲- پیشنهادات عملی

برای استفاده بهینه از ظرفیت‌های بریکس، ضروری است که ساختار نهادی آن به‌طور دقیق در چارچوب حکمرانی کشور مشخص شود. وزارت امور اقتصادی و دارایی باید مسئول سیاست‌گذاری‌های اقتصادی در تعامل با بریکس باشد و برنامه‌های زمان‌بندی‌شده‌ای را برای این تعاملات ترتیب دهد. همان‌گونه که بیان شد، بانک مرکزی نیاز است در زمینه سیاست‌های ارزی و تأمین مالی طرح‌های مشترک فعالیت کند. وزارت امور خارجه نیز باید با بهره‌گیری از ظرفیت‌های دیپلماتیک خود، روابط ایران را با کشورهای عضو بریکس تقویت کند.

آفریقای جنوبی قرار دارد که اقتصادی کوچک‌تر و وابسته به صادرات مواد خام دارد. این تفاوت‌ها اجرای سیاست‌های پولی و مالی هماهنگ را بسیار دشوار می‌سازد (World Bank, 2023a).

از منظر سیاسی نیز اتحادیه اروپا با ساختارهای فراگیر و قوانین الزام‌آور برای اعضا توانست تصمیمات یکپارچه‌ای اتخاذ کند، اما بریکس به دلیل تنش‌های سیاسی میان اعضای مانند چین و هند، فاقد چنین انسجامی است. این اختلافات نه تنها بر تصمیم‌گیری‌های جمعی تأثیر می‌گذارد، بلکه مانعی برای شکل‌گیری نهادهای مشترک مانند بانک مرکزی بریکس است (Acharya, 2023).

در مجموع، بررسی تجربه یورو نشان می‌دهد که موفقیت ارزش مشترک نیازمند هم‌گرایی اقتصادی، هماهنگی نهادی و ثبات سیاسی است؛ عواملی که در بریکس هنوز به‌طور کامل وجود ندارند و باید برای تحقق ارزش مشترک تقویت شوند.

۴-۳- استفاده از ظرفیت‌های بریکس در ایران و تحلیل عملکرد جمهوری اسلامی

برای بهره‌برداری مؤثر از ظرفیت‌های بریکس، بررسی نقش نهادهای کلیدی مانند وزارت امور اقتصادی و دارایی، بانک مرکزی و وزارت امور خارجه ضروری است. وزارت امور اقتصادی و دارایی باید در سیاست‌گذاری‌های کلان اقتصادی برای تعاملات با کشورهای بریکس نقش برجسته‌ای داشته باشد. بانک مرکزی نیاز است که مسئولیت نظارت بر تعاملات مالی و ارزی با بریکس و نیز تأمین مالی طرح‌های مشترک را بر عهده داشته باشد. وزارت امور خارجه نیز باید با

این اهداف با چالش‌هایی مانند اختلافات سیاسی میان اعضای بریکس و سلطه دلار در بازارهای جهانی روبه‌روست. در این راستا، ایران باید به ایجاد هماهنگی بیشتر میان نهادهای اقتصادی خود و کشورهای بریکس توجه کند. از سوی دیگر، ضعف در ساختار نمایندگی ایران، به‌ویژه حضور رئیس بانک مرکزی به‌جای وزیر امور اقتصادی و دارایی موجب کاهش قدرت تصمیم‌گیری ایران در این گروه شده است. برای بهبود شرایط در این باره، پیشنهادهای سیاستی زیر ارائه می‌شود.

- **تقویت دیپلماسی دو جانبه:** در کوتاه‌مدت، وزارت امور خارجه باید روابط دیپلماتیک ایران را با کشورهای کلیدی بریکس (چین، هند و برزیل) تقویت کند. این رویکرد در افزایش سطح همکاری‌های اقتصادی و تجاری و نیز تسهیل فرایندهای مالی و بانکی مؤثر است. در بلندمدت، وزارت امور خارجه باید به دنبال ایجاد همکاری‌های راهبردی با کشورهای این گروه باشد تا به‌عنوان طرف اصلی در تصمیم‌گیری‌های اقتصادی بریکس شناخته شود (بیاتی و محمدی، 1399).

- **اصلاح ساختار نمایندگی ایران در بریکس:** در کوتاه‌مدت، وزارت امور اقتصادی و دارایی باید تلاش کند که نماینده ایران در بریکس از رئیس بانک مرکزی به وزیر امور اقتصادی و دارایی تغییر کند. این تغییر موجب تقویت هماهنگی میان نهادهای اقتصادی ایران می‌شود و زمینه‌ساز تأثیرگذاری بیشتر در تصمیمات مالی و اقتصادی بریکس خواهد بود. در بلندمدت، هماهنگی بیشتر میان وزارت امور

همچنین، پیشنهاد می‌شود که کمیته‌ای مشترک از نهادهای یادشده تشکیل شود تا تصمیم‌گیری‌ها و پیگیری‌ها به‌صورت هماهنگ و مؤثر انجام گیرد. این کمیته می‌تواند با تحلیل چالش‌ها و فرصت‌های موجود، راهبردهای لازم را برای تقویت حضور ایران در بریکس تدوین کند (نائیمی و رجبی، 1400).

در حال حاضر، رئیس بانک مرکزی ایران نماینده کشور در این سازمان است. این در حالی است که وزارت امور اقتصادی و دارایی باید نماینده ایران در این نهاد باشد.

نتیجه‌گیری و پیشنهاد راهکارها

برای استفاده از ظرفیت‌های بریکس و تحقق اهداف اقتصادی مرتبط، ایران باید از فرصت‌ها و امکانات موجود به‌طور مؤثر بهره‌برداری کند. این فرایند نیازمند رویکردهای دیپلماتیک و اقتصادی به‌ویژه در تعامل با کشورهای کلیدی بریکس و نیز اصلاحات در ساختار نهادی است. در این راستا، وزارت امور خارجه، وزارت امور اقتصادی و دارایی و بانک مرکزی هرکدام نقش مهمی دارند که می‌توان آن‌ها را در دو افق زمانی کوتاه‌مدت و بلندمدت دسته‌بندی کرد.

بریکس به‌عنوان گروه اقتصادی با ویژگی‌های جغرافیایی و اقتصادی متنوع، فرصت‌های زیادی را برای ایران فراهم می‌آورد. از جمله این فرصت‌ها، تقویت روابط تجاری، کاهش وابستگی به دلار و افزایش نفوذ اقتصادی ایران در سطح جهانی است.

بهره‌برداری از فرصت‌های موجود در بریکس می‌تواند تحولی اساسی در روابط اقتصادی و تجاری ایران با دیگر کشورهای عضو این گروه ایجاد کند.

منابع

- بیاتی، محمد؛ و محمدی، رضا (۱۳۹۹). بررسی نقش ایران در گروه بریکس و فرصت‌های اقتصادی آن. اقتصاد جهانی، ۲۲(۴)، ۴۵-۵۶.

- حیدری، محمد؛ و خدادادی، نیما (۱۴۰۲). دیپلماسی اقتصادی ایران و استراتژی‌های آن در بریکس. مطالعات روابط بین‌الملل، ۱۰(۲)، ۶۵-۷۷.

- خدادادی، علیرضا (۱۴۰۰). تحلیل ساختار نهادی ایران در روابط اقتصادی با بریکس. سیاست‌گذاری اقتصادی، ۱۸(۳)، ۲۲-۳۳.

- ظریف، محمد جواد (۱۳۹۹). استراتژی ایران در سازمان‌های اقتصادی چندجانبه. تهران: وزارت امور خارجه جمهوری اسلامی ایران.

- محمودی، مصطفی؛ و رحیمی، شاپور (۱۳۹۸). اقتصاد ایران و چالش‌های مشارکت در بانک توسعه نوین بریکس. توسعه اقتصادی، ۱۵(۲)، ۱۱۲-۱۲۵.

- نائیمی، احسان؛ و رجبی، سعید (۱۴۰۰). نقش دیپلماسی اقتصادی در تقویت روابط ایران با بریکس. روابط بین‌الملل، ۲۲(۴)، ۱۴۰-۱۵۵.

- Acharya, A. (2023). The BRICS Paradox: Challenges in Balancing Power and Influence. *Journal of International Relations*, 45(2), 123-138. Retrieved from <https://www.jir.org/journal/2023-45-2>

اقتصادی و دارایی، بانک مرکزی و وزارت امور خارجه می‌تواند به تدوین سیاست‌های مالی منسجم و استفاده مؤثرتر از ظرفیت‌های بریکس کمک کند (خدادادی، ۱۴۰۰).

- سرمایه‌گذاری در زیرساخت‌های مالی و مشارکت در طرح‌های بانک توسعه نوین: بانک مرکزی در کوتاه‌مدت باید سیستم مالی کشور را به استانداردهای بین‌المللی نزدیک کند و زیرساخت‌های لازم را برای مشارکت فعال در طرح‌های بانک توسعه نوین فراهم آورد. این همکاری به تأمین منابع مالی برای طرح‌های زیرساختی در کشور و نیز تقویت نقش ایران در فرایندهای مالی جهانی کمک می‌کند. در بلندمدت، بانک مرکزی باید به دنبال افزایش سهم ایران در تأمین مالی طرح‌های توسعه‌ای در چهارچوب بریکس و در نهایت، مشارکت در فرایند ایجاد ارزش مشترک باشد (محمودی و رحیمی، ۱۳۹۸).

در مجموع، دستیابی به اهداف اقتصادی و سیاسی ایران در چهارچوب بریکس مستلزم اتخاذ رویکردی جامع و هماهنگ در سطوح مختلف است. با توجه به ظرفیت‌های بالقوه این گروه اقتصادی و چالش‌های موجود، ایران باید با تقویت دیپلماسی دوجانبه، اصلاح ساختار نمایندگی خود در بریکس و سرمایه‌گذاری در زیرساخت‌های مالی، جایگاه خود را در این گروه ارتقا دهد. این اقدامات نه تنها به تحقق اهداف ملی کمک خواهد کرد، بلکه می‌تواند ایران را به‌عنوان بازیگری مؤثر در نظم اقتصادی نوین جهانی مطرح سازد. در این مسیر، همراهی نهادهای اقتصادی و دیپلماتیک ایران و

- Retrieved from <https://thediplomat.com/2022/07/why-india-and-china-clash-on-regional-leadership/>
- Ramaswamy, K. (2022). BRICS and the Global Economic Order: Opportunities and Challenges. *Global Finance Journal*, 35(3), 245-260. Retrieved from <https://www.gfjournal.org/volume-35>
- World Bank. (2023a). World Development Indicators. *World Bank*. Retrieved from <https://data.worldbank.org/indicator>
- World Bank. (2023b). Global Economic Prospects and Challenges for Emerging Markets. *World Bank*. Retrieved from <https://www.worldbank.org/en/publication/global-economic-prospects>
- BIS. (2023). Triennial Central Bank Survey. *Bank for International Settlements*. Retrieved from https://www.bis.org/stats_triennial_surveys/index.htm
- Draghi, M. (2020). Monetary Policy in the Eurozone: Lessons for Other Regions. *European Central Bank Reports*, 56(4), 45-60. Retrieved from <https://www.ecb.europa.eu/pub/reports/html/index.en.html>
- Eichengreen, B. (2019). The Dollar and the Euro: Challenges and Opportunities in the Global Financial System. Oxford University Press.
- European Commission. (2023). Maastricht Criteria. Retrieved from https://europa.eu/european-union/law/treaties_en
- IMF. (2023). Global Financial Stability Report. *International Monetary Fund*. Retrieved from <https://www.imf.org/en/Publications/GFSR>
- NDB. (2023). About Us. *New Development Bank*. Retrieved from <https://www.ndb.int/about/>
- Panda, A. (2022). "Why India and China Clash on Regional Leadership." *The Diplomat*.